

چشم امید اعتبار اسناد رسمی به مجمع تشخیص

۴

مصاحبه‌ای با مدیر اندیشکده محققان حول
مشکلات اسناد عادی و طرح الزام به
ثبت سند رسمی اموال غیر منقول

انزوای ایران هدف صهیونیست

۳

آنچه از سفر چند روزه گروسی به
یادگار ماند

دادگر

نشریه سیاسی و حقوقی انجمن اسلامی دانشجویان
مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه
طباطبائی (ره)

سال پنجم / شماره بیست و یکم / فروردین ماه ۱۴۰۲

کلام امام: سعی میکنند ملت را از راه‌های اطلاع‌رسانی جدا کنند. خب، ما وسایل اطلاع‌رسانی به مردم را داریم؛ این‌ها را بدبین می‌کنند. به رادیو تلویزیون گوش ندهید، خبرهایش خلاف واقع است؛ به گزارش مسئولین توجه نکنید، گزارششان خلاف واقع است؛ به حرف‌های رهبری گوش نکنید، حرف‌های رهبری تکراری است؛ تکراری است؟ سال‌ها است که جبهه‌ی دشمن با صدای بلند اعلام می‌کند که می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به زانو در بیاوریم، رهبری در مقابل می‌گوید «غلط می‌کنید»؛ این تکرار نیست؛ این استقامت است. ۱۴۰۲/۱/۱

ساعت صفر؛ به وقت مسمومیت

نگاهی به مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان و بررسی ابعاد مختلف آن

مسمومیت؛ سلاحی جدید برای

جنگ ترکیبی

بدون شک باید ماجرای مسمومیت‌ها را با توجه به رویدادهای اخیر کشور بررسی کرد. بعد از فروکش کردن اعتراضات و اغتشاشات در کشور برای فوت خانم امینی، عفو گسترده زندانیان از سوی مقام معظم رهبری و حضور پرشور بدنه اجتماعی طرفدار انقلاب اسلامی در راهپیمایی ۲۲ بهمن، جو کشور به نسبت آرام و به دور از تشنج بود. عناصر ضد انقلاب به خوبی این مسئله را درک کردند که برای ایجاد تشنج مجدد در فضای داخلی کشور و تداوم مخابره چهره‌های کریه از ایران در صحنه بین‌المللی، نیاز به یک بهانه جدید دارند، بهانه‌ای مرتبط با مسئله زنان. با گسترده شدن مسمومیت‌ها به وضوح می‌توان تکاپوی عناصر ضد انقلاب را برای کشته‌سازی و برانگیختن احساسات مردم مشاهده کرد، نمونه بارز آن، مطالب منتشر شده از سوی علی کریمی بود. او قصد داشت شخصی به نام «فاطمه رضایی» را به عنوان کشته مسمومیت‌ها جا بزند که البته با موضع گرفتن به موقع خانواده این خانم، تیر علی کریمی و رسانه‌های معاند به سنگ خورد.

هدف نهایی

باید توجه کرد، مسمومیت، بخشی از پازل هزار تکه جنگ ترکیبی علیه ایران است. قضایای اخیر می‌تواند ساعت صفر یا به عبارتی نقطه‌ای برای آغاز مجدد آشوب‌های خیابانی و تشنج کردن جو داخلی کشور باشد. از طرفی امکان دارد کشورهای دیگر نیز از این جو تشنج استفاده کرده و از این فرصت برای ضربه زدن به کشور ما استفاده کنند، کما اینکه کشوری مثل اسرائیل بارها ایران را تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای کرده است.

رسانه؛ تکه گمشده پازل

با بررسی یافته‌های علم پزشکی و مواردی مشابه با آنچه در کشور ما رخ داده است، می‌توان به تأثیر اضطراب بر سیستم ایمنی و ایجاد علائم بیماری در فرد پی برد. برای مثال می‌توان به مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان دختر در افغانستان که ۸ سال پیش اتفاق افتاده بود اشاره کرد. به نظر می‌رسد، در برخی موارد عاملی محرک وجود داشته و باعث بدحالی دانش‌آموزان شده است، دستگیری چند نفر نیز در این رابطه، این امر را تایید می‌کند اما در بسیاری موارد این رسانه‌ها هستند که با مخابره کردن این وقایع، باعث ایجاد حس ترس و اضطراب عمومی یا هیستری جمعی شده‌اند که این اضطراب، می‌تواند باعث سرکوب سیستم ایمنی و ایجاد علائم مسمومیت شود.

چرا قم؟!

مسئله قابل توجه در سریال مسمومیت‌ها، نقطه شروع آنها یعنی شهر قم است، شهری که مرکز تشیع در ایران است. با نگاهی به گذشته نه چندان دور، در آغاز بحران کرونا در دنیا، می‌توان به یاد آورد بعضی رسانه‌ها و برخی اشخاص، علت شیوع بیماری کرونا در ایران را قرنطینه نشدن قم تلقی می‌کردند. اکنون نیز در قضیه مسمومیت‌ها، قم به عنوان نقطه شروع این ماجرا انتخاب شده است. به نظر می‌رسد دشمنان با ابزار رسانه در حال ایجاد یک معادله در ذهن مخاطبان خود هستند، معادله‌ای که اسلام و تشیع را هدف قرار داده است.

محمد مهدی کجوری

دبیر سیاسی دانشکده



بی‌گمان این روزها یکی از مسائل مهمی که افکار عمومی را به خود مشغول کرده، مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان در کشور است. این ماجرا، دارای ابعاد و زوایای بسیاری است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم. اوایل آذر ۱۴۰۱ اخباری مبنی بر مسمومیت تعدادی از دانش‌آموزان در بعضی از مدارس دخترانه در شهر قم به گوش می‌رسید، آن روزها بازار این اخبار چندان داغ نبود اما بعد از گذشت حدود سه ماه با گسترده شدن این مسمومیت‌ها توجه افکار عمومی بیش از پیش به سمت این ماجرا جلب شده و گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد این مسئله صورت گرفت.

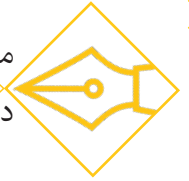
از ماده محرک تا هیستری جمعی

با گسترده شدن مسمومیت‌ها در سراسر کشور، دستگاه‌های ذی‌ربط جدی‌تر از گذشته به این مسئله ورود کردند. اظهار نظرات مختلفی در مورد عامل این قضایا صورت گرفت. برخی دانش‌آموزان در اظهارات خود از پرتاب شدن یک شیء دودزا به داخل مدرسه و برخی دیگر از پخش شدن بوی نامطبوع خبر می‌دادند، از سوی دیگر اظهارات "مصطفی قانع‌ی"، دبیر علمی کمیته بررسی علت مسمومیت دانش‌آموزان قابل توجه بود، وی اظهار داشت در موارد بررسی شده تنها ۴ یا ۵ درصد دانش‌آموزان در معرض ماده محرک قرار گرفته و بقیه به علت اضطراب، علائمی را در خود نشان داده‌اند.

مصاحبه‌ای با مدیر اندیشکده محنا حول مشکلات اسناد عادی و طرح الزام به ثبت سند رسمی اموال غیر منقول

میینا آقاجانیان

دبیر فرهنگی دانشکده



مسئله ثبت اسناد رسمی و مشکلات ناشی از اسناد عادی در کشور ما مسائل زیادی همچون زمین خواری، پولشویی، فرار مالیاتی، تزلزل مالکیت دولت بر اشخاص و املاک و... را به همراه داشته فلذا ارتقای جایگاه اسناد رسمی و توجه به آن طوری که پشتوانه قانونی داشته باشد می‌تواند مشکل گشای بسیاری از این معضلات باشد به کارگیری اقداماتی همچون تسهیل در تنظیم و صدور سند رسمی، به کارگیری ضمانت‌های مناسب در صورت تخلف و... می‌تواند در این امر موثر باشد. فلذا این شماره از نشریه دادگر مصاحبه‌ای با آقای امیر حسین حاجی زاده مدیر اندیشکده محنا حول محور این مشکلات و مصوبه مجلس ناظر بر طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول می‌پردازد:

ابتدا توضیح مختصری از پیشینه این طرح که فکرمی‌کنم شروع آن از سال ۹۵ بوده و موانع موجود بر سر راه این طرح و علت به نتیجه نرسیدن آن بیان کنید؟

طرح الزام به ثبت رسمی در سال ۹۵ توسط آقای دکتر رضا شیران نماینده مجلس مردم مشهد با عنوان ارتقای جایگاه اسناد رسمی در مجلس اعلام وصول شد و به مدت سه سال در کمیسیون قضایی مجلس ماند اما بررسی نشد. تا اینکه در سال ۹۸ آقای رئیسی به سمت رئیس قوه قضاییه منصوب گشتند سازمان ثبت و افرادی با همکاری مرکز پژوهش‌ها مامور به تعیین تکلیف این موضوع کردند و بدون آنکه طرح جدیدی را ثبت کنند همان طرح را با اصلاحات چشمگیری با عنوان طرح الزام به ثبت سند رسمی اموال غیر منقول به تصویب مجلس وقت رساندند. که این طرح پنج سری بین مجلس و شورای نگهبان رفت و برگشت داشته که علاوه بر ایرادات شرعی، ایرادات دیگری هم داشته و در نهایت با تأمین نشدن نظر شورای نگهبان و اصرار نمایندگان، موضوع به

مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده و در حال بررسی است.

به نظر شما مهم ترین مشکلات ناشی از سند عادی چیست که لزوم ثبت اسناد به طور رسمی را در پی داشته است؟

۱- مهم‌ترین آن فروش یک واحد به چند نفر: که تحت عناوین مختلف همچون فروش مال غیر، الزام به تنظیم و... پرونده‌هایی را به خود اختصاص داده است. ۲- زمین خواری: در صور مختلف همچون تصرف غیر مجاز، ساخت و ساز غیر مجاز چه به معنای تغییر کاربری غیر مجاز یا تفکیک غیر مجاز که همه این‌ها ریشه در معاملات عادی دارد. اعتبار سند عادی این اجازه را می‌دهد تصرفات و تغییر کاربری غیر قانونی زمین خواران قابلیت انجام و ارزش معامله پیدا کنند. ۳- فرار مالیاتی: از دیگر مشکلات ناشی از اسناد عادی تشخیص میزان دقیق املاک موجود در کشور، تعداد خانوارهای ساکن در املاک، تعداد دقیق اراضی کشاورزی و مالکان آنها و تفکیک اراضی ملی و دولتی است که هر دولتی بدان نیازمند است. این بستر صرفاً زمانی مهیا خواهد شد که اطلاعات مربوطه در یک سامانه جامع تحت نظر حاکمیت شکل گیرد و فضای غیر رسمی و خارج آن، امکان ظهور و بروز نداشته باشد. این در حالی است که هم اکنون به دلیل امکان انجام معاملات به صورت عادی و نیز تفکیک و تغییر کاربری‌های غیر قانونی در اراضی کشور، سیاست گذار کشور ما اطلاعات و آمار جامعی در حوزه املاک و اراضی در اختیار ندارد. که این موضوع امکان اخذ مالیات‌های اصلی و پایه‌ای که بخش قابل توجهی از درآمد دولت هست را می‌گیرد و نیز ثبات اجرای احکام شعبات که قوه قضاییه در مقام اجرای احکام بتواند «اموال محکومین و بدهکاران را شناسایی کند و طلب طلبکاران را بدهد» را متزلزل می‌کند و این متوقف بر آن است که بتواند به شناسایی مهم ترین دارایی مردم که املاک هست پردازد. در شرایطی که بخش قابل توجهی از املاک کشور حدود یک سوم یا بیشتر فاقد سند

رسمی هستند شخص محکوم اموال و دارایی‌اش شناسایی نشده و معسر شناخته می‌شود و از پرداخت بدهی سر باز می‌زند. ۴- عدم شناسایی فقیر و غنی: یکی از مشکلات ما عدم هدفمندی کمک‌های معیشتی است که در قالب‌های گوناگونی همچون کمیته امداد، بنیادهای خاص، یارانه معیشتی و... وجود دارد که در نبود اطلاعات درست از وضعیت مردم امکان تشخیص فقیر و غنی و توزیع عادلانه این کمک‌ها از بین می‌رود. از دیگر مشکلات اسناد عادی هم می‌توان به پولشویی، تزلزل مالکیت دولت بر اشخاص و املاک و... نیز اشاره کرد.

مهم ترین نقاط ضعف و نقاط قوت مصوبه مجلس در خصوص الزام به ثبت در چیست؟

از نقاط قوت نسخه نهایی می‌توان به تسهیل گری در ثبت معاملات رفع موانع ثبت رسمی و تسهیل در اخذ سند مالکیت اشاره کرد که از مهمترین مفاد طرح الزام به ثبت رسمی معاملات است. در این راستا مقرر شده که با در نظر گرفتن تمهیداتی، کلیه استعمالات و امور اداری مرتبط با تنظیم سند رسمی و ثبت معامله در دفاتر اسناد رسمی به صورت آتی انجام شده و دفاتر اسناد رسمی به عنوان یگانه مرجع در این خصوص و بدون نیاز به مراجعه مردم به سایر ادارات و سازمان‌ها اقدامات لازم را در همان روز مراجعه انجام و معامله را به ثبت برسانند. در مواقعی که موانع ثبتی وجود دارد مثل صدور سند در مورد قانون جلوگیری از خرد شدن زمین‌های کشاورزی سال ۸۵ که امکان صدور سند ندارند و یا صدور سند برای املاک فاقد پایان کار دارای بدهی، به شرط پرداخت بدهی در اولین معامله، تمهیدات لازم فراهم شود. از دیگر نقاط قوت این طرح استفاده از ضمانت اجرای شفاف و تفسیرناپذیر بطلان بر معاملات عادی است اما این موضوع به دلیل رعایت نکردن الزامات اجرایی بی‌اعتبار کردن معاملات عادی خود تبدیل به یک نقطه ضعف شده است. که امیدواریم مجمع تشخیص مصلحت به این موضوع توجه کند که در صورت اصلاح

این موضوع تازه طرح قابلیت اجرایی می‌یابد در نبود این تغییر، طرح صرفاً یک طرح تسهیلی است که به تسهیل سازوکار ثبت رسمی می‌پردازد.

طبق نظر شورای نگهبان در خصوص ماده یک این مصوبه «پذیرفته نشدن اسناد عادی نزد محاکم و ادارات برخلاف شرع دانسته شده» که این موضوع می‌تواند منجر به کاهش اعتبار اسناد رسمی شود حال با این وجود به نظر شما می‌توان چه ضمانت اجرایی برای این ماده در نظر گرفت که منجر به اعتبار بخشی به اسناد رسمی شود؟

در مورد ضمانت اجرا هم باید گفت تقریباً چاره‌ای جز استفاده از ضمانت اجرای بطلان نداریم در واقع این ضمانت اجرا باید ویژگی‌هایی را داشته باشد برای مثال: در عمل باید حامی خریدار رسمی باشد حتی اگر به تاریخ مقدم، ملک به شخص دیگری به صورت عادی یا قولنامه‌ای یا به تعبیری ثبت نشده فروخته شده باشد. لفاظ حقوقی که برای این ضمانت اجرا استفاده می‌شود باید الفاظ حقوقی کاملاً شناخته شده‌ای توسط محاکم باشد چون مقامی که قرار است به آن بپردازد، قاضی است که در میان شعب مختلف باید برداشت یکسانی از این موضوع وجود داشته باشد و قابل ریسک کردن نیست چون با مهم‌ترین دارایی مردم سروکار دارند. لذا استفاده از الفاظ آشنا و شفاف دارای اهمیت است. بطلان معاملات عادی هم در محاکم ما اصطلاح آشنایی است و هم از نظر فقهی آثار مشخص و شناخته شده‌ای دارد. برای مثال در اصطلاحاتی مثل (در محاکم دولت پذیرفته نیست) بی اعتباری معاملات عادی برداشت نمی‌شود. کما اینکه ما ماده ۴۸ قانون ثبت را داشتیم که مشابه این عدم پذیرش اسناد عادی را ذکر می‌کرد و دیدیم که برداشت از این ماده بی اعتباری اسناد عادی نبود بلکه صرفاً غیرقابل استناد دانستن آنها تا زمان اثبات قضایی بود. یا عبارت‌هایی همچون (عدم قابلیت استناد نسبت به شخص ثالث) که برگرفته از حقوق فرانسه هست در حقوق ما ناشناخته می‌باشد و بسیاری از قضات ما از این مورد اعتبار سند عادی را برداشت می‌کنند. ضمانت اجرای کیفی هم وجود دارد که به نظر بنده اصلاً فایده ندارد چون پذیرش اجتماعی جرم انگاری انجام معامله عادی وجود ندارد که اگر

این پذیرش اجتماعی نباشد عملاً در جامعه نادیده گرفته می‌شود و محکوم به شکست است و از طرفی اگر مجازات تعیین شده کم باشد افراد، بیشتر سمت آن خواهند رفت و اگر مجازات بالا برده شود خلاف شرع و قانون اساسی محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مسائل این طرح این است که عرف و عادت توده مردم در سالیان طولانی، اغلب در انجام معاملات به طور غیررسمی است و از طرفی اگر حاکمیت بخواهد حکم بطلان بر این معاملات بار کند موجب بروز انبوه پرونده‌های قضایی و حتی بحران اجتماعی خواهد شد چگونه می‌توان این موضوع را در بین مردم رواج داد؟

الزامات اجرایی بی اعتباری اسناد عادی که سوال بسیار مهمی است و تقریباً مهم ترین ایراد این طرح هست. پیشنهاد ما برای حرکت تدریجی مردم به سمت سند رسمی این هست که ما از تجربه قانون ثبت استفاده کنیم یعنی به هر کسی که سند رسمی مالکیت جدیدی داده شد بگوییم از این تاریخ به بعد معاملات عادی شما اعتباری ندارد و باطل است. ما در سال حدود ۳ تا ۳/۵ میلیون سند جدید صدور داریم که با این قانون به ۵ میلیون هم می‌رسد و کل املاک هم ۳۵ میلیون است که در یک بازه ۵ تا ۱۰ ساله می‌شود ۹۰ تا ۹۵ درصد املاک کشور، که سند جدیدی دریافت می‌کنند و معاملات عادی این‌ها به مرور زمان باطل می‌شود و این چیزی است که در ماده ۲۲ قانون ثبت هم آمده که در این قانون گفته شده به محض اینکه ملکی در دفتر املاک ثبت شد دولت فقط کسی را مالک می‌شناسد که نامش در دفتر املاک ثبت شده و اگر ملکی هنوز در دفتر املاک ثبت نشده تابع نظام معاملاتی معاملات عادی است. این موضوع سبب می‌شود بدون اینکه استرسی به جامعه وارد شود به تدریج در بین مردم جا انداخته شود و به مرور ارزش املاک ثبتی هم افزایش پیدا می‌کند چون خریداران می‌فهمند این ملک به شخص دیگری فروخته نشده و این تفاوت قیمت، سبب تجدید سند به طور داوطلبانه برای صیانت از حقوق مالکیت توسط مردم می‌شود.

یکی از راه‌های دستیابی به هدف اعتبار بخشی به اسناد رسمی تسهیل سازوکارهای ثبت

معاملات است. اخیراً خبری درباره دوبار شدن هزینه حق التحریر اسناد رسمی رسیده آیا این خبر خود نمی‌تواند منجر به آسیب به ساختار تسهیل ثبت اسناد از یک سو و از طرفی کاهش انگیزه مردم برای ثبت اسناد رسمی باشد؟

در مورد تعرفه اسناد رسمی نظر بنده بر این است که این تعرفه انقدر بالا نیست که مانع ثبت معاملات ملکی شود چون مآخذ حق التحریر منطقی‌ای هست و به طور مثال برای یک ملک ۳ میلیارد تومانی ۴ میلیون حق التحریر می‌گیرند که این عدد بالایی نیست و دریافت سند ارزش بیشتری دارد و آن چیزی که در تسهیل باید مورد توجه قرار گیرد یک مسئله دسترسی به ثبت معامله در زمان توافق هست که برای مثال امروز توافق قولنامه‌ای انجام می‌شود پنج ماه بعد برای ثبت به دفتر خانه مراجعه می‌شود که در این بازه امکان کلاهبرداری، فروش مال به چند نفر و... هست اگر شرایطی فراهم شود که مردم در لحظه ثبت موقت یا زماندار داشته باشند جلوی این قبیل مشکلات هم گرفته می‌شود. مسئله دیگر توجه به هزینه نقل و انتقال نه به صورت ریالی بلکه به صورت زمانی است مثلاً برای انتقال سرقفلی ممکن است چندین ماه طول بکشد که اینها مشکل سازتر است تا بحث حق التحریر.

باتوجه به اینکه این طرح در حال حاضر در مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور دارد به نظر شما رویکرد مجمع نسبت به این طرح چگونه باید باشد و آیا باید با این طرح موافقت کند؟ چرا؟

نظر بنده بر این است که چاره‌ای جز بی اعتبار سازی معامله عادی با رویکردی شفاف نیست. در عین حال که این موضوع باید مطابق عرف جامعه باشد یعنی آن کسانی که امکان معامله رسمی، آسان و بی دردسر دارند به ابطال معامله عادی‌شان پردازیم البته در صورتی که اصلاحات لازم در آن توسط مجمع صورت بگیرد که اگر این اصلاحات نباشند به مشکل خواهیم خورد و سرجمع به نظر بنده با وجود اصلاحات، طرح ارزش تصویب دارد.

انزوای ایران هدف صهیونیست

آنچه از سفر چند روزه گروسی به یادگار ماند



فاطمه زهرا اکبری

عضو فعال انجمن در
دانشکده



در ماه‌های اخیر و با اتفاقاتی که در کشورمان رخ داد متوجه این موضوع شدیم که دشمنان ایران تلاش زیادی برای انزوای کشور در عرصه بین‌الملل انجام داده‌اند!

اقداماتی چون اخراج ایران از کمیسیون زن، تحریم‌های همه‌جانبه که از قدیم الایام وجود داشته است و ماجراهایی که در مورد قوانینی چون حجاب و اعدام مطرح بود همه و همه مصداق بارز تلاش برای انزوای جمهوری اسلامی ایران است.

رافائل گروسی، شخصی که در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۴۰۱ به ایران سفر کرد. کسی است که رابطه‌ی خوبی با دشمنان ایران دارد. وی حتی مأموریت آمدن به ایران و عدم توافق با او را در ماه‌های گذشته داشت. اما این سفر با مخالفت ایران لغو شد و یا مثلاً در سال ۲۰۲۲ سفری به ایران داشت. در این سفر با راهکار منطقی و همه‌جانبه ایران روبه‌رو شد. قرار شد گروسی پرونده‌هایی را مختومه سازد اما پس از پایان سفر تنها دستاورد، کارشکنی وی بود! امروز هم با روی کار آمدن نتانیاهو قطعاً این روند ادامه خواهد داشت. که واکنش نتانیاهو در برابر سفر اخیر ایران موید این مهم است.

از واقعیت تا شایعه

چندی پیش گزارشی از نشریه بلومبرگ آمریکایی منتشر شد که در آن ادعا شده بود ذرات در سطح مورد نیاز سلاح اتمی در ایران کشف شده است. در مورد ادعای مطرح شده مبنی بر غنی سازی ۸۴ درصدی اورانیوم توسط ایران اسلامی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران می‌گوید: «در خصوص ذره ۸۴ درصدی که یک نمونه‌برداری از کنار یک شیر در پروسه بود و آن ذره با میکروسکوپ هم دیده نمی‌شود، مهم

می‌تواند یک ابتکار عمل باشد. اما اینکه آیا واقعاً مسائل و جبهه‌گیری‌های سیاسی می‌تواند تأثیر منفی روی مذاکرات داشته باشد یا نه، به گزارش ایلنا، رضا نصری تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل می‌گوید: «آژانس یک کارکرد «فنی» دارد، اما از هیچ‌کس پوشیده نیست، در عین حال در یک فضای «سیاسی» به ایفای وظایف خود می‌پردازد؛ یعنی امر «فنی» و امر «سیاسی» به یکدیگر گره خورده است و نمی‌شود با هیچ‌یک کاملاً مستقل مواجه شد. این وعده آقای گروسی که اجازه نخواهد داد از آژانس به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده شود، در لحن، موضع‌گیری‌ها، جمله‌بندی‌ها، انتخاب واژه‌ها و جنس گزارش‌های او قابل راستی‌آزمایی خواهد بود. از نشست مطبوعاتی او در وین هم این چنین به نظر می‌رسد که آژانس در حال قدم گذاشتن در این مسیر است.

حجم موادی است که پس از تولید ذخیره می‌شود، موادی را که از پروسه خارج شده بود، مشاهده کردند و دیدند که غنای آن بیش از ۶۰ درصد نیست. خط تولید ما ۶۰ درصد است. کارشناسان آژانس در گزارش‌شان هم آوردند که تولید ما ۶۰ درصد است.»

فرجام برجام با گروسی

مهم‌ترین مشکل برجام "اختلاف بین ایران و آژانس" بود و امروز اگر بتوان این مانع را برطرف کرد خود یک پیشرفت مهم تلقی می‌شود. گروسی در پاسخ به خبرنگاری که در مورد نتیجه عملی این مذاکرات پرسیده است تصریح کرد: در سیاست بین‌الملل گفت‌وگو با کسانی که تصمیم‌گیر هستند فارغ از نتیجه آن، اثر گذار است. وی در عین حال، خاطر نشان کرد که توافق بدست آمده با ایران گامی در جهت درست است.

سخنان ناشایست گروسی به تعبیر نتانیاهو!

جدا از این مسئله، اینکه گروسی به صحبت‌های نتانیاهو مبنی بر غیرقانونی بودن حمله‌ی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران این نوید را داد که ایران به پیروزی بزرگی دست یافته هر چند نمی‌توان تأثیر رژیم صهیونیستی در آژانس را نادیده گرفت اما همین که ایران توانسته جوع نسبتاً مناسبی فراهم کند تا مذاکرات از سر گرفته شود، خود

شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان

مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسؤول و سردبیر: علیرضا کریم خانی

جانشین سردبیر و ویراستار: محمد امین رضوانی

صفحه آرا: علیرضا منگلی نسب

هیئت تحریریه: مبینا آقاجانیان، محمد مهدی

کجوری، فاطمه زهرا اکبری